

# گرایش به جهانی شدن و عوامل مؤثر بر آن در بین اعضای هیأت علمی دانشگاههای قزوین<sup>۱</sup>

\* دکتر مهدی قدیمی

\*\* سیداحمد مرتضوی

کد مقاله: ۸۸۱۰۱۷۰۱

## چکیده

بهترین تعریف در مورد جهانی شدن مربوط به دیوید هاروی می‌باشد. او معتقد است که جهانی شدن فرایند فشرده‌گی فزاینده زمان و فضا می‌باشد، که با آگاهی از این موضوع روابط و تعاملات جدیدی شکل می‌گیرد که در نتیجه‌ی آن هزینه‌های ارتباطات و حمل و نقل کاهش می‌یابند، عوامل محدود و مقیدکننده چون مرزها فرو می‌ریزند و انسان‌ها بیش از پیش در سطح جهان به هم وابسته می‌شوند و همسانی ساختاری و نهادی در جهان بوجود می‌آید که تأثیرات آن در همه‌ی ابعاد به ویژه ابعاد فرهنگی و معرفتی بیش از سایر حوزه‌هاست چرا که جهانی شدن را باید نوعی اتصال ارتباطات دانست. ارتباطات فی نفسه دانش افزاست و دانش‌افزایی و آگاهی در ذات خود همشکلی و همسانی را در پی دارد و اگرچه مخالفان جهانی شدن صحبت از ارتباطات مجازی و به تبع آن اجتماع مجازی و هویت و انسان مجازی سخن می‌رانند ولی ارتباطات معقول و پرداختن به زوایای متفاوت مقوله جهانی شدن می‌تواند رابطه مثبتی بین اجتماع‌های مجازی و واقعی برقرار کند.

لذا مطالعه‌ی جهان و جهانی شدن براساس ضوابط و قانون‌مندی‌های خاص خود و به دور از خیال‌پردازی و آرمانگرایی می‌تواند تعامل فرهنگ و گفتگوی تمدن‌ها، تقسیم کار عادلانه، توسعه‌ی اقتصادی متوازن، آزادی‌های قانونی، باز بودن راه‌های بازرگانی، مسافرت و جهانگردی راحت، بروز استعداد و توانمندی‌ها و کاهش تنش‌ها و صدها محاسن دیگر را در برگیرد اما با وجود جوانب مثبت فراوان، مخالفان جهانی شدن نیز کم نیستند و به دلیل همین تعدد نظرات موافق و مخالف سعی در گرایش‌سنجی بین استادان هیأت علمی دانشگاه‌های قزوین نموده‌ایم تا با آشنایی از گرایش آنان و در نتیجه نظراتشان، بتوانیم به طور واقع بینانه‌ای با این پدیده برخورد نماییم.

**واژگان کلیدی:** جهانی، جهانی شدن، جهانی‌سازی، جهانی‌گرایی، دهکده جهانی، دانش جهانی، اقتصاد جهانی، فرهنگ جهانی.

۱- مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد علوم اجتماعی (پژوهشگری) تحت عنوان «گرایش به جهانی شدن و عوامل مؤثر بر آن در بین اعضای هیأت علمی دانشگاههای قزوین» در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان تدوین و ارائه گردیده است.  
\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان.

E-mail: DM\_Ghadimi\_Zn@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد علوم اجتماعی.

## مقدمه

توجه به جامعه جهانی به جای جامعه ملی و وطن دانستن کره‌ی زمین در حد کوچک شدن تحت عنوان «دهکده‌ی جهانی» و تأکید بر اشتراکات بشری و روح جمعی با برداشت از تمدن‌های مختلف این کره‌ی خاکی (تمدن اسلامی، مسیحی، یهود، چینی، ژاپنی، هندی، آفریقایی و امریکایی) و خیلی از مسائل کلان‌نگر و پلورالیستی مصادف است با گسترش علم جامعه‌شناسی، علمی که هم نگرش به سوی جوامع در حد کشورها دارد و هم نگرش کلان در حد یک کره‌ی کوچک خاکی.

به تدریج این خصلت جهان‌نگری است که با فشرده شده جهان و تبدیل آن به مکان واحد بر نگرش‌های ملی و محلی غلبه می‌یابد و جهانی شدن را معادل با نزدیک شدن و یگانه شدن تفسیر می‌کند ضمن اینکه این یگانه شدن به مفهوم ادغام شدن نیست و جهانی شدن نمی‌خواهد یگانگی و استقلال جوامع را از میان بردارد چرا که جامعه‌ی کلان جهانی با جامعه‌های زیر سیستمی خود تحت عنوان جوامع خرد معنی دارد.

جامعه‌شناسان امروز فرهنگ جهانی را فرهنگ تلفیق و ترکیب با فرهنگ‌های دیگر و خرده فرهنگ‌ها می‌دانند و گسترش تکنولوژی و رسانه‌های گروهی را موجب برقراری توسعه و ارتباط میان منطقه‌های گوناگون می‌شمارند.

اصطلاح «آکواریوم جهانی» و یا «جهان ویرینی» یکی از جالب‌ترین اصطلاحاتی است که می‌تواند زوایای نه چندان مبهم و تاریک فرایند جهانی شدن را روشن نماید و این پدیده را به طور تمام عیار در معرض دید و داوری قرار دهد در آکواریوم جهانی مرزهای جغرافیایی و فرهنگ، دیگر به منزله مانع در مقابل اظهار نظرهای نقادانه تلقی نشده و چنین مواعی، دیگر بعنوان مخرب به رسمیت شناخته نمی‌شوند ضمن اینکه «جهانی شدن» نیز همانند تمامی تحولات سرمایه‌داری از تناقضات درونی برخوردار است و دارای دو جنبه متضاد لیکن در هم تنیده است. از طرفی ضمن تحمیل ویژگی‌ها و فرآیندهای متعددی که پاسخ دهنده مشکلات سرمایه‌داری است از طرفی دارای ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بالقوه‌ای که اگر آگاهانه با آن برخورد شود منجر به آگاهی‌های بیشتر و توسعه‌ی همه جانبه می‌گردد. مقاله حاضر در همین راستا شکل گرفته است که آیا جهانی شدن از منظر نمونه آماری (استادان هیأت علمی دانشگاه‌های قزوین) چگونه است؟

### طرح مسأله

جهانی‌شدن فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای جوامع مختلف جهان و کشورها به وجود آورده است. تعامل و تبادلات علمی- پژوهشی و فرهنگی حاصل از ارتباطات تکنولوژیک برای جوامعی که احساس می‌کنند در این تعاملات زبان الکن دارند و یا علم کافی ارتباطی ندارند بسیار دشوار و نگران‌کننده است. این مسأله برای جامعه‌ی ما نیز وجود دارد. در این میان جایگاه و نقش منابع انسانی به ویژه نخبگان جامعه حائز اهمیت است. به این دلیل جامعه آماری تحقیق جامعه‌ی آماری نخبگان شهرستان قزوین می‌باشد که هم سنجش میزان گرایش آنان به پدیده‌ی جهانی‌شدن حائز اهمیت است و هم عوامل تأثیرگذار بر این گرایش می‌تواند حائز اهمیت باشد.

### چهارچوب تئوریک بحث

قدمت واژه جهانی (Global) بیشتر از چهارصد سال است ولی اصطلاح جهانی‌شدن Globalization از حدود سال ۱۹۶۰ رواج یافته است و از سال ۱۹۸۰ به بعد اعتبار علمی کسب نموده است. این پدیده همواره با مدرنیسم و پست مدرنیسم عنوان می‌شود و پدیده‌ای چندوجهی و پیچیده‌ای است که در تمام عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و فناوری مطرح است.

جهانی‌شدن گذر از دو دوره جوامع مبتنی بر ارتباطات شفاهی و ارتباطات کتبی، به دوره ارتباطات الکترونیکی و تکنوکاپیتالیسم است (قراگوزلو، ۱۳۸۰، ص ۸۳)

رابرتسون در اثر خود به نام «جهانی‌شدن، فرهنگ جهانی و اشارت‌های نظم جهانی» جهانی‌شدن را مجموعه فرایندهایی می‌داند که به پیدایش جهانی واحد منتهی خواهد شد، جوامع در همه جنبه‌های زندگی سیاسی اقتصادی و فرهنگی شان به طور متقابل به یکدیگر وابسته خواهند شد و دورنمای این وابستگی‌های متقابل جهانی‌شدن واقعی خواهد بود (زاهدی، ۱۳۷۸).

### جهانی‌سازی

جهانی‌سازی توسعه نابرابر و ناهمگون جهان، غنی‌تر کردن شمال به ازای فقیرتر کردن جنوب، افزایش قدرت‌های شرکت‌های فراملی یا چندملیتی، تخریب محیط زیست و غربی

کردن جهان، مستحیل نمودن فرهنگ‌های مردمان سراسر گیتی در فرهنگ مصرفی غرب و شخصیت بخشیدن به کالا و شی‌زدگی انسان به انسان است چنانچه کارل مارکس گفت: جهانی غم انگیز و سرشار از فضا‌های حیرت آور که تضادهای آن فقط معلول رویارویی ثروت و تهیدستی نیست (کوه بان، ۱۳۸۴، ص ۴).

### فرهنگ جهانی

تاریخ قومی و ملی هر فردی در درون تاریخ جهانش معنی پیدا می‌کند به همین مقدار فرهنگ قومی و ملی هر فرد انسانی در درون فرهنگ جهانی جای می‌گیرد، فرهنگ جهانی متشکل از خرده فرهنگ‌های جوامع مختلف در سراسر جهان است که تأثیر و تأثرات آن‌ها در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته و می‌رود تا احساسی برانگیزد که انگار همه از یک قومیت‌اند و این شعار یا طرز فکر ایده‌آلیستی نیست بلکه به واقعیت رسیدن نظریه مک کوهان در خصوص دهکده‌ی جهانی است لذا چنین دهکده‌ای نیاز به قانون‌مندی‌های همه شمول و خاص خود را می‌طلبد. تنها ابزار ممکن برای برقراری مجموعه‌ای از حقوق جهان‌شمول بشر که مورد پذیرش همه باشد این است که نمایندگان مهمترین دیدگاه‌های مختلف در مورد آن به بحث بنشینند این امر به معنی پذیرش جدی نسبیت فرهنگی از حقوق جهان‌شمول بشری می‌باشد (کیت نش، ۱۳۸۷، ص ۳۰۵).

### احساس جهان وطنی

در دنیای پر آشوب امروزی که هنوز نظریه‌ی جنگ تمدن‌های هانگنیتون بر سر زبان‌هاست و اختلافات قومی و ملی هم‌چنان سالیانه حیات هزاران انسان را می‌گیرد با این حال صحبت از احساس جهان وطنی کمی مشکل به نظر می‌رسد اما برپایی شکل دموکراتیک‌تری از حقوق بشر مستلزم هضم و جذب و تغییر در هویت‌هاست. انسان‌های امروزی چاره‌ای جز تبدیل شدن به انسان‌های «جهان وطنی» ندارند.

آدلف هاترز در بحث جالبی در مورد «جهان وطن‌ها» و «محلی‌ها» جهان وطن‌گرایی را اینگونه تعریف می‌کند:

قبل از هر چیز یک گرایش و یک تمایل به عجین شدن با دیگران، در واقع در اینجا جنبه‌ای از آمادگی و توانایی شخصی برای یاد گرفتن چیزی از فرهنگ‌های دیگر از طریق

گوش دادن، نگاه کردن، درک کردن و تأمل نمودن است، همچنین یک نوع شایستگی فرهنگی در معنای محدودتر کلمه نیز در اینجا وجود دارد، یا به عبارت دیگر یک مهارت فزاینده برای مانور دادن با نظامی از معناها و اشکال معنا دار خاص (کیت نش، ۱۳۸۷، ص ۳۰۶)

این یک واقعیت عینی است که تا ۲۰ سال پیش به ندرت مردم کردستان ایران لباس غیرمحلّی می‌پوشیدند و جوانان امروز این سرزمین به ندرت لباس بومی به تن دارند به همین ترتیب است لباس‌های محلّی سایر قومیت‌های جامعه ایران، حال سؤال این است که آیا هم شکلی اقوام در پوشش و فراگیر شدن اشتراکات درگوش و همچنین فراگیر شدن تغذیه‌های سریع، همه و همه بیانگر این نیست که فرهنگ‌ها نیز به اشتراک گذاشته می‌شود و رفته رفته آدم‌ها هم شکل و هم فکر می‌گردند و سرزمین‌های خود را نیز به اشتراک می‌گذارند؟

#### نظریات جهانی‌شدن

اگرچه نظریات مربوط به جهانی‌شدن را در آرای ماکس وبر، مارکس، دورکیم کنت و سن سیمون می‌توان ریشه‌یابی نمود اما *والرشتاین* معتقد است که انقلاب صنعتی سبب افزایش ثروت و آن نیز سبب ایجاد سیستم تجاری سریع شد و به تبع آن جهانی‌شدن، شکل گرفت.

انقلاب صنعتی ← مزاد ثروت ← ایجاد سیستم تجاری سریع ← جهانی‌شدن  
او همچنین معتقد است که ناسیونالیست جهانی بعنوان کاتالیزور این روند در پی ادغام و همگونی با جریان‌های جهانی و کشف تمایزات و تفاوت‌هاست (*والرشتاین*، ۱۹۸۴، ص ۱۶۶).

آنچه از نظر تاریخی اهمیت دارد آنکه فرایند جهانی‌شدن ریشه در تحولات قرون هفدهم و هیجدهم در قاره‌ی اروپا دارد.

اما از میان رویکردهای مخالف نسبت به جهانی‌شدن رویکرد محافظه‌کاران نقطه مقابل نظرات *والرشتاین* است اینان معتقدند که جهانی‌شدن پدیده‌ی جدیدی نبوده است و به دوران قبل از میلاد و به زمان امپراطوری‌های رم و یونان برمی‌گردد. در این قالب تأثیرات ادیان به ویژه مسیحیت و اسلام نیز به امر جهانی‌شدن کمک فراوان نموده‌اند (*گل محمدی*، ۱۳۸۱، ص ۲۳۰).

رویکرد دیگری که جهانی شدن را روند تکامل مدرنیته و تجدد می‌داند رویکرد لیبرالی به جهانی شدن است از این منظر جهانی شدن به عنوان گامی اساسی در جهت تحقق همه جانبه‌ی دموکراسی لیبرال در جوامع بشری قابل تفسیر است (هانگینتون، ۱۳۷۳، صص ۴۰-۳۰).

رویکرد دیگری که به شکل خنثی به فرایند جهانی شدن می‌نگرد این است که آن را یک امر کاملاً طبیعی و در نتیجه خارج از اراده‌ی انسانی می‌داند که از گذشته‌ای دور توسط نحله‌های فکری تعقیب می‌شده و هم اکنون نیز پیشرفتی طبیعی و منطقی دارد در این رویکرد اعتقاد بر این است که فرهنگ برتر و فناوری مربوط به آن از بالاترین سطح به پایین‌ترین سطح جریان می‌یابد و هیچ‌کس نمی‌تواند کاری انجام دهد. رویکرد دیگری نیز قابل تعمق است و آن رویکرد رادیکالیستی نسبت به جهانی شدن است. اینان در مقابل مخالفان سرسخت جهانی شدن قرار می‌گیرند و برعکس آنان سخت از فرایند جهانی شدن دفاع می‌نمایند برای تحقق آن از هیچ تلاشی فروگذار نیستند اینان معتقدند که نباید منتظر تحقق طبیعی جهانی شدن ماند بلکه باید با برنامه‌ریزی‌های آگاهانه و خلق بسترهایی مناسب به تحقق زود هنگام آن کمک کرد چرا که جهانی شدن به آزادی و رفاه بشری کمک می‌کند، آزادی و رفاهی که از فرمان‌های بوروکراسی خفقان‌آور دولتی و سیاست قدرت دولتها آزاد است (هلدوگرو، ۱۳۸۲، صص ۱۳۵).

در رویکردی دیگر گفتمان‌های جهانی شدن به چهار نوع تقسیم می‌شود:

۱- گفتمان‌های تمدنی یا منطقه‌ای که در آن به مقایسه تطبیق جهانی شدن در مناطق و تمدن‌های مختلف پرداخته می‌شود مثلاً در تایلند گرایش به جهانی شدن بیش از لائوس می‌باشد و یا در امریکای لاتین و همچنین نئومارکیست‌ها جهانی شدن را عمدتاً از بعد اقتصادی می‌نگرند.

۲- گفتمان‌های رشته‌ای و یا بین رشته‌ای که در آن جهانی شدن را صرفاً اقتصادی و یا بازرگانی می‌بینند که براساس آن در درون جامعه‌شناسی نیز می‌توان برداشتی کاملاً اقتصادی از جهانی شدن یافت.

۳- دیدگاه‌های ایدئولوژیک که همان دیدگاه‌های چپ و مخالف و دیدگاه‌های راست و موافق یا جهانی شدن است که باید و نبایدهای هر دو ایدئولوژی در مورد جهانی شدن فراوان گفته و نوشته شده است.

۴- گفتمان‌های کل‌نگر که جهان را به مثابه‌ی یک سیستم در نظر می‌گیرد که تحت تأثیر یک سری عوامل متعدد و پیچیده‌ای دارای فرایندی می‌شود که متشکل از ورودی‌ها و خروجی‌های خاص خود است.

در این گفتمان تفکر سیستمی این امکان را می‌دهد تا خرده سیستم‌هایش را به گونه‌ای سازمان دهد که با اهداف خودش سازگار باشد (شهرام‌نیا، ۱۳۸۵، صص ۷۹-۵۸).

در رویکردی دیگر به ابعاد جهانی‌شدن از دیدگاه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نگریسته می‌شود اما همه‌ی این رویکردها و گفتمان‌ها و ابعاد مختلف جهانی‌شدن را می‌توان در سه دسته تقسیم‌بندی نمود که اندیشمندان از آن به عنوان سه نسل یاد می‌کنند:

۱- نسل اول نظریات مربوط به جامعه‌شناسان و اندیشمندان کلاسیک می‌باشد که نظراتشان مبتنی بر مکانیسم‌ها و تحولات کلان اجتماعی است که مهم‌ترین آن، نظریات مارکس است که ریشه‌های جهانی‌شدن را در ساختار اقتصادی نظام سرمایه‌داری و تجدد می‌داند. دورکیم، اجتماعی‌شدن را زمینه‌فروپاشی مرزهای فرهنگی و اجتماعی دانسته که همگونی جهانی را در پی دارد و وبر عقلانیت را لازمه‌ی توسعه و نوسازی و تجدد می‌داند که موجب همگونی و همسانی و در نتیجه جهانی‌شدن می‌داند. سن سیمون معتقد بود صنعتی‌شدن و جامعه‌شناسی دو نیرو یا عامل مؤثر در فرایند جهانی‌شدن به شمار می‌آیند و به واسطه این دو نیرو است که حد و مرزهای سیاسی و فرهنگی از میان می‌رود. آگوست کنت معتقد بود که همه جوامع سرانجام از مرحله‌ی سنتی و مرحله مابعد طبیعی عبور کرده به مرحله‌ی اثباتی خواهند رسید مرحله‌ی اثباتی که پیشرفته‌ترین مرحله تکامل بشر است تحت سلطه مدیران صنعتی و هدایت اخلاقی دانشمندان خواهد بود برخلاف مرحله‌ی نخست که «خانواده» محور است، در مرحله دوم «دولت» اهمیت پیدا می‌کند و در مرحله سوم «کل نوع بشر» واحد اجتماعی اصلی می‌باشد.

در حالی که سن سیمون و کنت ریشه فرایند جهانی‌شدن را در علم و صنعت و تحول ذهنی بشر جستجو می‌کنند. دورکیم و وبر نوسازی و تجدد را ریشه این جهانی‌شدن می‌دانند.

از نظریات مارکس و انگلس نیز چنین برداشت می‌شود که آن‌ها معتقد بودند «بورژوازی» در جستجوی بازارهای جدید از کشور خود فراتر می‌رود تا جهان را برای

سرمایه‌گذاری و فروش محصولات خود به بازاری تبدیل کند که مقدمه‌ی جهانی‌شدن است (گل محمدی، ۱۳۸۱، ص ۳۴).

۲- نظریات نسل دوم معطوف به فهم جامعه در حال شکل‌گیری نظام جهانی است که اندیشمندان این نسل بسیار پراکنده و متفاوت از هم اظهار نظرهایی دارند بعضی از آنها به عامل اقتصادی و برخی به عامل اجتماعی و برخی نیز بر عامل سیاسی و یا فرهنگی اولویت قائل‌اند که در حامیان کسانی که به عامل اجتماعی پای می‌فشارند کارکردگرایان امریکایی چون پارسونز، وکر، دانلپ، هارینسون، دانیل بل و نیکلاس لو همان هستند که مجموعاً نوسازی را عامل همگون‌سازی می‌دانند و آن‌که بر عامل اقتصادی پای می‌فشارند نئومارکیست‌هایی چون والرشتاین و صاحب نظرانی چون سمیرامین و اسکلیر قرار دارند برتن، گیلپین و روزنا نیز بر عامل سیاسی تأکید دارند و صاحب نظرانی چون مک لوهان نیز بر عامل فرهنگی اصرار می‌ورزند.

پارسونز معتقد است که جوامع با منطق، خود را با محیط که حاصل نوسازی است منطبق می‌کنند که نهایتاً به همگونی می‌انجامد. دانلپ نیز معتقد است همگونی فزاینده از «منطق صنعتی‌شدن» ناشی می‌شود.

دانیل بل که جوامع را به سه مرحله کشاورزی، صنعتی و اطلاعاتی تقسیم می‌کند جامعه‌ی امروز را جامعه‌ی اطلاعات محور می‌نامد که موجب همگونی و همسانی است. نیکولاس لوهمان به ارتباطات فردی در دو سوی کوهی زمین اشاره می‌کند که بهترین نماد جهانی‌شدن است. والرشتاین نیز معتقد است سه نوع نظام اجتماعی در تاریخ بشر وجود دارد (الف) نظام‌های کوچک (ب) امپراطوری‌های جهانی (ج) اقتصادهای جهانی. وی اعتقاد دارد اقتصاد جهانی سرمایه‌داری بستر اجتماعی جهانی است که همه جنبه‌های دیگر از دید سیاست و فرهنگ را در بردارد.

موارد و مسائلی که در جهانی‌شدن به محوریت اقتصاد از آنها بحث می‌شود مواردی چون گسترش فن‌آوری‌های ارتباطی، سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی، تجارت الکترونیکی، جریان پول و سرمایه، مهاجرت آسان و... می‌باشد.

جیمز روزنا جهانی‌شدن را زمینه‌ساز شکل‌گیری سیاست فرا بین‌المللی می‌داند مواردی که در حوزه جهانی‌شدن سیاسی مطرح است عبارتند از کم‌شدن سیطره‌ی دولت‌ها،



گسترش فضای گفتمان در جهانی‌شدن مسائلی چون صلح، محیط زیست، امنیت جهانی و قدرتمند شدن سازمان‌های فراملی چون حقوق بشر.

مک لوهان نیز نگاهی فرهنگی ولی با محوریت ارتباطات به جهانی‌شدن می‌نگرد نظریه معروف «دهکده جهانی» متعلق به اوست او فن‌آوری رسانه‌ای را اصلی‌ترین عامل جهانی‌شدن می‌داند. در حوزه‌ی جهانی‌شدن فرهنگی بر گسترش اشتراکات فرهنگی و از بین رفتن فرهنگ‌های خاص اشارت دارد بیشترین نگرانی‌های مخالفان جهانی‌شدن در عرصه فرهنگی است آن‌ها فرهنگ غالب را فرهنگ مصرفی غرب می‌دانند که گاهی از آن به عنوان کوکاکولانیزاسیون، مک دونالدیزاسیون نام می‌برند که موجب از بین رفتن هویت‌هاست.

بدون آنکه بتوانند دلایل مستند و قوی در این زمینه ارائه نمایند چرا که فرهنگ غرب علی‌رغم داشتن بعضی از معایب چون ضعف روابط خانوادگی اما محاسن زیادی دارد که به دلیل محاسن زیاد است که دنیا را تحت تأثیر خود قرار داده است. مسائلی چون «جهانی صمیمی» یا «آزادی‌های فردی» «فرهنگی شدن جهان» و «عام‌گرایی فرهنگی»، «گفتگوی تمدن‌ها»، «دموکراسی»، «حقوق بشر و ارزش‌های جهانی» مسائلی است که در حوزه فرهنگی شدن جهان یا جهانی‌شدن فرهنگ از آن‌ها یاد می‌شود و سایر فرهنگ‌های غیرغربی نیز از جمله فرهنگ‌های شرقی فرصت ظهور قوی‌تر در آن را دارند چرا که خیلی از مصادیق فوق‌همانند «حقوق بشر» ریشه‌ی شرقی از جمله ریشه ایرانی دارد. ضمن اینکه در حوزه‌ی جهانی‌شدن فرهنگ یا فرهنگ جهانی می‌توان جهانی‌اندیشید ولی محلی زندگی کرد این بدان معناست که فرد می‌تواند با استفاده از شرایط و امکانات جهانی هویت خود را بازسازی کند، معایب خود را برطرف و محاسن خود را به دنیا عرضه نماید و این همان داد و ستد فرهنگی براساس احترام متقابل و براساس کیفیت فرهنگی است. چنانکه گاندی می‌گفت: «من می‌خواهم فرهنگ‌های تمام جهان به دور خانه‌ام بوزد و نفسی تازه کنند اما اجازه نمی‌دهم آن ورزش‌ها بر پاهایم چیره شود». (سایت فصل نو)

۳- نسل سوم که فرآیند پر شتاب جهانی‌شدن را تجربه کرده‌اند برعکس دو نسل قبلی آن را پیچیده و چند وجهی دانسته و آن را پدیدارشناسی آگاهانه میدانند که ترکیبی از

محاسن و معایب می باشد، معروف ترین صاحب نظران این نسل دیوید هاروی، آنتونی گیدنز و رابرتسون هستند.

نظریات نسل سوم را باید ادامه ی نظریات نسل دوم چون مک لوهان دانست که آن ها نیز بر نقش ارتباطات و آگاهی از این وضع پیش آمده را مقدمه جهانی شدن می دانند. دیوید هاروی معتقد است که در زندگی اجتماعی سنتی فضاهای محدود و محله ای و زمان های دوری روابط بسیار تنگ را می طلبد ولی در دوره رنسانس این محدوده، درهم شکست و مفهوم زمان طولی و خطی جایگزین زمان دوری گردید و فضای واحد جهانی جایگزین فضاهای محله ای شد. لذا از این مفهوم تحت عنوان فشرده گی زمان و مکان که نماد آن ها اختراع ساعت و نقشه است نام می برد.

آنتونی گیدنز نیز معتقد است که جهانی شدن حاصل برهم خوردن نظم سنتی فضا و زمان است او می گوید که زمان و فضا از مکان جدا شده اند و این جدایی باعث روابط اجتماعی در گستره جهانی شده است او معتقد است که جهانی شدن پدیده ای فراتر از همبستگی متقابل است.

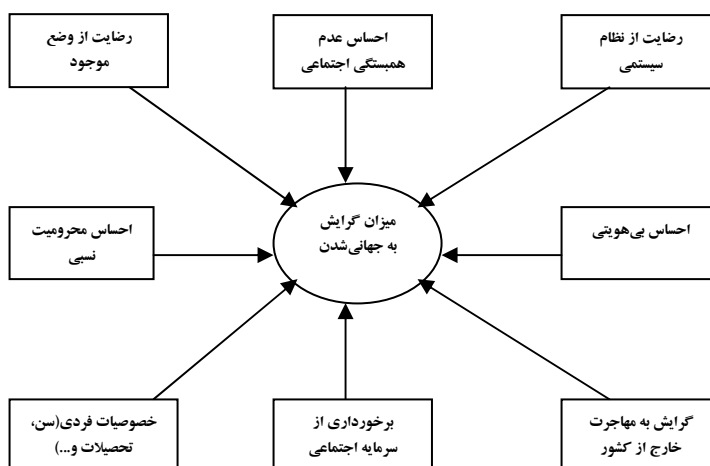
رابرتسون که فرایند جهانی شدن را بسیار پیچیده و در عین حال آن را مستقل می داند معتقد است که انباشت سرمایه مهم ترین عامل جهانی شدن است در عین حال بر عنصر آگاهی تأکید فراوان دارد از نظریات وی چنین می توان برداشت نمود که جهانی شدن موقعی معنا می یابد که انسان از این فرایند آگاهی یابد که از آن به عنوان «جهانی شدن ذهنی» نام می برند که پدیده ای فرهنگ ساز است و بستر گفتگوها و داد ستدهای فرهنگی است جهانی شدن را تابعی از اقتصاد می داند که به واسطه ی ستیز و تضاد پیش می رود که در آن جهانی شدن وجود دارد اما توأم با همگونی نیست بلکه همراه با تضاد است (رابرتسون، ۱۳۸۰، صص ۱۲۰-۱۱۰).

شاید تشکیل مجمع اقتصادی جهانی (داووس) که هر ساله در دهکده داووس در سویس بعد از سال ۱۹۹۰ به بعد تشکیل می شود به عنوان نمونه نظر رابرتسون اشاره نمود که در آن همه رهبران و اقتصاددانان با نظرات موافق و مخالف در آن گرد هم می آیند و اظهار نظر می کنند که می تواند نمادی از جهانی شدن توأم با وجود تضاد باشد. که به گفته مبتکران «کلارنس شاب» غیررسمی ترین نشست اقتصادی جهان است که در آن نه موافقت نامه ای

امضا می‌شود و نه قانونی تصویب می‌گردد در ضمن اینکه پایه‌گذار سیاست‌های اقتصادی جهان است.

بررسی جهانی شدن در قالب نسل سوم ارتباط ویژه‌ای با افکار پست مدرنی پیدا می‌کند که برخلاف گذشته الگوهای رقیب در برابر آن وجود ندارد و مانند رودی از گسستگی‌های پیاپی به نوعی پیوست و وحدت می‌رسد. جهانی شدن توأم با پست مدرنیته یعنی قبول کثرت، لااقل کثرت در نظر که عین وحدت در عمل است.

### مدل نظری طرح



### روش‌شناسی تحقیق

در این مقاله از هر دو پیش اثباتی - تجربی و تفهیمی - تفسیری سود جستیم که به تبع آن از هر دو روش تعمیمی و تفریدی بهره گرفته شده است به این معنا که هم از قابلیت تحلیل‌های آمار و ریاضی که نماد تعمیم هستند استفاده شده است و هم از قابلیت مشاهده‌ای و مشارکتی استفاده شده است که نماد تحقیق کیفی و تفریدی می‌باشد. اما در دیدگاه خرد از روش دلفی استفاده شده است تا بتوانیم درباره یک موضوع خاصی؛ اتفاق نظر تعدادی صاحب‌نظر را بدانیم و نهایتاً تنظیم پرسشنامه قطعی براساس نظرات استادان (جامعه آماری) بوده است و براساس نظرات آنها تنظیم شده است.

جامعه آماری مقاله نیز استادان هیأت علمی دانشگاه‌های شهرستان قزوین می‌باشد که شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، دانشگاه علوم پزشکی قزوین و دانشگاه آزاد اسلامی قزوین و دانشگاه پیام نور مد نظر می‌باشد که حدود ۷۶۰ نفر می‌باشند.

در مورد حجم نمونه با توجه به اطلاعات و آمار موجود بر طبق فرمول کوکران در حدود ۲۵۵ نفر می‌باشد.

$$n = \frac{N.t^2.p.q}{N.d^2 + t^2.p.q} \Rightarrow n = \frac{760 \times (1/96)^2 \times 0/5 \times 0/5}{760 \times (0/05)^2 + (1/96)^2 \times 0/5 \times 0/5} = \frac{729/90}{1/90 + 0/960} = \frac{729/90}{2/860} = 255$$

با توجه به جامعه آماری برای حجم نمونه آماری از روش نمونه‌گیری احتمالی (نمونه‌گیری تصادفی ساده) استفاده شده است بدین معنی که هر یک از افراد جامعه مورد مطالعه شانس مساوی برای تحویل و تکمیل پرسشنامه را داشته‌اند و بعد از تهیه لیستی از جمعیت آماری، افراد نمونه به روش تصادفی ساده انتخاب گردید. لازم به ذکر است در جهت سنجش روایی پرسشنامه و رسیدن به اعتبارسازه‌ای از آزمون تحلیل عاملی استفاده شده که آلفای کلیه سؤال‌های بالای ۰/۶۰ بوده و در مورد بررسی پایایی پرسشنامه نیز بر اساس آلفای کرونباخ، آلفای موردنظر ۰/۷۰۵ می‌باشد بنابراین پرسشنامه استفاده شده از روایی و پایایی لازم برخوردار می‌باشد.

#### **روش‌ها و فنون تجزیه و تحلیل داده‌ها**

در طرح حاضر از نرم‌افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. ضمن اینکه از هر دو نوع تحلیل آماری توصیفی و علی سود جسته‌ایم. بدین صورت که ابتدا با استفاده از جداول و نمودارها خروجی مربوط به فراوانی مربوط به متغیرهای مستقل از نظر جنسیت، وضعیت تأهل، سن، رتبه دانشگاهی و محل اخذ آخرین مدرک تحصیلی پرداخته شده است سپس با استفاده از آزمون‌های پارامتریک و غیرپارامتریک و با توجه به مقیاس اندازه‌گیری مربوط به متغیر مستقل و وابسته به روابط بین متغیرها پرداخته شده تا از این طریق آزمون فرضیه‌های موردنظر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

لازم به ذکر است که نخست سؤال‌های هر بخش با دستور **camput** و با استفاده از روش امتیازدهی مناسب بعنوان یک متغیر مثل  $X_1, X_2, \dots$  در نظر گرفته شده و سپس به روابط بین آنها پرداخته شده است.

### **نتایج آمار توصیفی**

پس از ورود داده‌ها به برنامه **SPSS** گرفتن گزارش به هر نحوی که مورد نیاز محقق باشد امکان پذیر بوده است و قابل انتقال به برنامه **Excel** نیز می‌باشد. نمودارهای ارائه شده در این بخش بدلیل رتبه‌ای بودن اغلب پاسخ سؤال‌ها از نوع میله‌ای استفاده شده است و با توجه به اینکه برای مجموعه‌ی سؤال‌های مربوط به یک متغیر نمودار ارائه گردیده است و هر نمودار خود گویای نظر ما می‌باشد از توضیح اضافی در این خصوص خوداری می‌گردد.

### **استنتاج آماری**

#### **فرضیه‌ی اول**

در بررسی فرضیه‌ی نخست مبنی بر اینکه " بین میزان گرایش استادان هیأت علمی دانشگاه‌های قزوین به «جهانی شدن» با «جنسیت» آنان رابطه وجود دارد" تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که جنسیت در گرایش به جهانی شدن هیچگونه تأثیری ندارد بدین معنی که در میزان گرایش به جهانی شدن فرقی بین زنان و مردان وجود ندارد.

#### **فرضیه‌ی دوم**

در بررسی فرضیه‌ی دوم نیز که ارتباط گرایش به جهانی شدن را با وضعیت تأهل در نظر گرفته‌ایم طبق بررسی‌های آماری مشخص گردید که وضعیت تأهل در میزان گرایش به جهانی شدن تأثیری ندارد به این ترتیب نمی‌توان قضاوت نمود که میزان گرایش به جهانی شدن در بین استادان مجرد بیشتر یا کمتر از متأهلین و یا متارکین و یا برعکس باشد.

#### **فرضیه‌ی سوم**

بین میزان گرایش به «جهانی شدن» با «سن» آنان رابطه وجود دارد.

براساس داده‌های آماری و تجزیه و تحلیل آن مشخص گردید که در گرایش به جهانی‌شدن در میان گروه‌های سنی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و این اختلاف ناشی از تصادف نمی‌باشد بدین معنا که با افزایش سن گرایش به جهانی‌شدن نیز افزایش می‌یابد ولی با توجه به ضریب همبستگی  $r = +0.217$  شدت این ارتباط ضعیف می‌باشد.

#### فرضیه‌ی چهارم

تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون‌های آماری نشان داد که بین رتبه‌ی دانشگاهی و گرایش به جهانی‌شدن رابطه مستقیم ولی ضعیفی برقرار است بدین معنی که با افزایش رتبه دانشگاهی گرایش به جهانی‌شدن نیز افزایش می‌یابد و برعکس.

#### فرضیه‌ی پنجم

بین میزان گرایش به جهانی‌شدن با تحصیلات خارج از کشور استادان رابطه وجود دارد. براساس نتایج آزمون‌های آماری مشخص گردید که استادانی که در خارج از کشور تحصیل نموده‌اند نسبت به اساتیدی که در داخل کشور تحصیل کرده‌اند گرایش بیشتری به جهانی‌شدن دارند.

#### فرضیه‌ی ششم

بین میزان آشنایی با زبان انگلیسی با میزان گرایش به جهانی‌شدن رابطه وجود دارد. با توجه به ضریب همبستگی منفی بین آشنایی به زبان انگلیسی و گرایش به جهانی‌شدن مشخص گردید که ارتباط این دو منفی و شدت رابطه بسیار ضعیف است بدین معنی که با افزایش میزان آشنایی به زبان انگلیسی گرایش به جهانی‌شدن کاهش می‌یابد.

#### فرضیه‌ی هفتم

بین میزان رضایت از وضع موجود کشور با میزان گرایش به جهانی‌شدن رابطه وجود دارد.

آنچه از تجزیه تحلیل آماری نتیجه گردید آنکه بین رضایت از وضع موجود و گرایش به جهانی‌شدن ارتباط معکوس وجود دارد، هر اندازه رضایت از وضع موجود افزایش یابد گرایش به جهانی‌شدن نزد آزمودنیها کاهش می‌یابد.

#### فرضیه‌ی هشتم

بین میزان رضایت از وضع سیاسی کشور با میزان گرایش به جهانی‌شدن رابطه وجود دارد.

چنانچه از نتایج تجزیه تحلیل آزمونهای آماری مشخص گردید بین رضایت از وضع سیاسی کشور از یک طرف و گرایش به جهانی‌شدن از طرف دیگر، در بین آزمودنیهای تحقیق (اعضای هیأت علمی) رابطه‌ی معکوس وجود دارد و هر مقدار که رضایت از وضع سیاسی کشور کاهش یابد گرایش به جهانی‌شدن افزایش می‌یابد.

#### فرضیه‌ی نهم

با توجه به آزمونهای آماری انجام گرفته، بین احساس فرسایش سرمایه اجتماعی و گرایش به جهانی‌شدن رابطه معناداری وجود دارد بدین معنا که هر اندازه بین آزمودنیها احساس شود که سرمایه‌ی اجتماعی کاهش یافته است گرایش به جهانی‌شدن در میان آنان افزایش می‌یابد.

#### فرضیه‌ی دهم

بین میزان احساس محرومیت نسبی با میزان گرایش به جهانی‌شدن رابطه وجود دارد. براساس نتایج به‌دست آمده از تجزیه و تحلیل آماری نشان می‌دهد بین احساس محرومیت نسبی با گرایش به جهانی‌شدن رابطه مستقیم وجود دارد و هر اندازه که احساس محرومیت نسبی در بین آزمودنیها افزایش یابد گرایش به جهانی‌شدن نیز افزایش می‌یابد.

#### فرضیه‌ی یازدهم

بین میزان احساس بی‌هویتی ( $x_5$ ) با میزان گرایش به جهانی‌شدن ( $y_1$ ) تفاوت معناداری وجود دارد.

درآزمون این فرضیه از آزمون میانگینها (T) استفاده شده است تا تفاوت میانگین بین دو گروه از یک نمونه آماری مورد بحث و بررسی قرار گیرد میانگین این دو و انحراف استاندارد آنها با ضریب همبستگی  $0/340$  با سطح معنی‌داری زیر  $0/05$  معنادار و با مقدار  $t$  برابر  $71/766 -$  و با سطح معنی‌داری  $sig = / 000$  معنادار بوده می‌توان حکم به تایید فرض  $H_1$  و رد  $H_0$  داد به این ترتیب فرض یازدهم محقق مورد تأیید است.

#### فرضیه‌ی دوازدهم

بین میزان احساس عدم همبستگی اجتماعی ( $X_6$ ) با میزان گرایش به جهانی شدن رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه نیز از آزمون  $t$  استفاده شده است در اینجا نیز تفاوت معناداری بین داده‌های آماری متمرکز (میانگین) و داده‌های پراکندگی (انحراف استاندارد) دیده می‌شود این خروجی نشان می‌دهد بین احساس عدم همبستگی و گرایش به جهانی شدن با ضریب همبستگی  $0/253$  و سطح معنی داری  $sig = /000$  ارتباط معنی داری وجود دارد و بر این اساس می‌توان گفت که در این فرضیه نیز فرض محقق مبنی بر وجود رابطه معنادار تأیید و فرض مقابل یعنی فرض آماری  $H_0$  مبنی بر عدم وجود رابطه رد می‌شود.

فرضیه‌ی سیزدهم

بین گرایش به مهاجرت به خارج از کشور ( $X_7$ ) در میان استادان هیأت علمی دانشگاه‌های شهر قزوین با میزان گرایش آنان به جهانی شدن رابطه وجود دارد.

در این آزمون نیز بر اساس اینکه افراد مورد آزمون یکسان بوده و مواد آزمون براساس سؤال‌های مربوط به هریک از متغیرها متفاوت می‌باشد دانستن میانگین و مقایسه‌ی آن بین این دو گروه از سؤال‌ها جوابگوی محقق خواهد بود از طرفی هر دو متغیر در مقیاس فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته‌اند و لذا به نظر می‌رسد برای رسیدن به این مقصود از آزمون  $T$  برای نمونه‌های زوجی استفاده گردد میانگین موجود در جدول اول و اختلاف آنها با یک دیگر ( $3/5706$  در مقابل  $15/9298$ ) و همچنین انحراف معیار ( $0/58446$  در مقابل  $3/24249$ ) و با ضریب همبستگی  $0/299$  که با سطح معنی داری صفر معنادار بوده و با  $T$  برابر با  $61/660 -$  با  $sig = /000$  معنا دار می‌باشد براین اساس فرض آماری  $H_0$  مردود اعلام گردیده و فرض پژوهشگر مبنی بر وجود رابطه بین گرایش به مهاجرت به خارج از کشور از یک طرف و گرایش به جهانی شدن از طرف دیگر مورد تأیید قرار می‌گیرد از طرفی با توجه به ضریب همبستگی مثبت چنین تحلیل می‌کنیم که هر مقدار گرایش به مهاجرت به خارج از کشور بیشتر باشد گرایش به جهانی شدن نیز در بین استادان هیأت علمی دانشگاه‌های قزوین بیشتر می‌باشد.



### نتیجه گیری

اگرچه نظریات مختلف و متفاوت و گاه متضاد در مورد جهانی شدن و اینکه برای جامعه ما نعمت است یا نعمت مطرح می‌باشد اما هرآنچه که هست در قالب یک کره‌ی خاکی و درعالم انسانی مطرح است عالم انسانی همان چیزی است که هگل از آن بعنوان روح جهانی نام می‌برد و یا کانت در قرن هیجده گفته بود که تفکر عقلانی یک رشته مفاهیم کلی و همه جایی است که آدیان برحسب آنها عالم را تحلیل و تفسیر می‌کنند مقوله‌هایی چون علیت، زمان، فضا و شی مادی از جمله مقولات بنیادین و کلی کانت بودند.

به هر ترتیب ما با همه اختلاف نظرها به دنبال این بودیم که از نظرات بخش کوچکی از نخبگان جامعه در این خصوص مطلع شویم آنچه که از آمار توصیفی و استنباطی نتیجه می‌گردد این است که جهانی شدن در کشور ما آنگونه که باید تبیین نگردیده است هنوز به آن به دیده تردید نگریسته می‌شود که آیا این مسأله "پروسه" است یا "پروژه" این بیان کاملاً از جوابهای متمرکز در بخش «متوسط» کاملاً محسوس است.

اگرچه اکثر فرضیه‌های این تحقیق تأیید گردید ولی میزان تأثیر متغیرهای مستقل در مجموع بر متغیر وابسته بر اساس گزارشهای همبستگی و رگرسیون شدید نیست و یا آنگونه نیست که بگوئیم گرایش به جهانی شدن در بین استادان بسیار شدید و یا حتی شدید می‌باشد اما می‌توان گفت که این گرایش مثبت بوده و از جهات مختلف و بر اساس متغیرهای مستقل قابل تبیین است.

تحقیقات مشابه نیز می‌تواند در سایر مناطق و شهرها انجام پذیرد و زیباتر خواهد بود که بعد از انجام کارهای مشابه یک کار تطبیقی با یکی از کشورهای درحال توسعه یا توسعه یافته انجام گیرد که قطعاً نتایج چنین تحقیقاتی برحوزه‌ی نظری این چنین مباحثی تأثیر گذاشته و گاه مانع انحراف آنها خواهد شد.

تحقیقات دیگری با تغییر جامعه آماری و کشاندن آن از بین نخبگان و تحصیل کردگان جامعه به بدنه جامعه و نمونه‌های آماری متفاوت مثلاً ورزشکاران و یا کشاورزان و ... می‌تواند جامعه را دربرخورد با پدیده جهانی شدن آماده‌تر نماید.

زیر نویس‌ها

## منابع

- ۱ - بخشی، عباس و اویسی، حسین. جهانی شدن (بیم ها و امیدها)، قزوین، انتشارات حدیث امروز، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۲- بهشتی، محمد. فرهنگ صبا، تهران، انتشارات صبا، ۱۳۷۰.
- ۳-رابر تسون، رونالد، جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۰.
- ۴- زاهدی، محمد جواد، جهانی شدن از منظر جامعه شناسی، مجله‌ی اندیشه جامعه، شماره ۹، ۱۳۷۸.
- ۵- شایان مهر، علیرضا، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.
- ۶- شهرام نیا، سید امیر مسعود، جهانی شدن و دموکراسی در ایران، تهران، نشر نگاه معاصر.
- ۷- قراگزلو، محمد. جهانی شدن، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۷-۱۳۸۰، ۱۷۸.
- ۸- کوه بنان، نیما. جهانی سازی و جهان ما، تهران، انتشارات آرویح، جلد اول، ۱۳۸۴.
- ۹- کیت نش، جامعه شناسی معاصر، محمد تقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.
- ۱۰- گل محمدی، احمد. جهانی شدن فرهنگ و هویت، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.
- ۱۱- ملک، حسن. جامعه شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، تهران، انتشارات پیام نور، ۱۳۷۷.
- ۱۲- هانتینگتون، ساموئل، موج سوم دموکراسی، ترجمه‌ی احمد شهما، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۳.
- ۱۳- هلد، دیوید، مک گرو، آتونی. جهانی شدن و مخالفان آن، ترجمه‌ی عرفان ثابتی، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۲.

14-wallerstein, immanuel, (1984), The politics of world economy, Cambridge university press

15-www.Fasleno.com

16-http://www.Globalpolicy.org